

کتابخانه مسجد قبا، با یک ابتکار، آثار پرتیراژ را به دست مخاطبان رساند

نمایشگاه کتاب در دل محله فلسطین

عیدگاه

● کنجکاو شدن با عنوان کتاب‌ها

عطیه آزمونی یکی از اعضای جوان کتابخانه است که خود را برای آزمون وکالت آماده می‌کند. او که پیش از این، سابقه طولانی در استفاده از کتابخانه حرم مطهر را داشته و حدود یک سال است به این کتابخانه محلی می‌آید، می‌گوید: من در این نمایشگاه با کتاب، محدودیت صفر، آشنا شدم.

او یکی از نقاط قوت این رویداد محلی را چیدمان و انتخاب هوشمندانه کتاب‌ها می‌داند و اضافه می‌کند: وقتی عنوان‌ها مجزا، دست‌چین شده و جلو چشم باشند، ناخودآگاه اسم کتاب‌ها کنجکاو تان می‌کند. کتاب را برمی‌دارید، ورق می‌زنید و به خواندن ترغیب می‌شوید. این چینش مخاطب را جذب می‌کند.

● انگیزه برای ورق زدن صفحات نو

طاهره محمدزاده، بازنشسته آموزش و پرورش، یکی دیگر از اعضای فعال و پرتاثری کتابخانه است. او می‌گوید: وقتی این نمایشگاه کوچک را دیدم، متعجب شدم. این نمایشگاه با تجربه‌های قبلی من خیلی فرق داشت. نمایشگاه کتاب، داخل یک کتابخانه.

او ادامه می‌دهد: یکی از کارهای جالبی که انجام داده بودند، مشخص کردن تعداد دفعات چاپ کتاب‌ها بود. وقتی می‌بینی کتابی چندین بار تجدید چاپ شده است، یعنی مخاطبان زیادی آن را پسندیده‌اند و حتما محتوای کاربردی و جذابی دارد. همین موضوع به آدم انگیزه مضاعفی می‌دهد تا کتاب را امانت بگیرد و بخواند. اگر این کتاب‌ها مستقیم می‌رفتند داخل قفسه‌های شلوغ، لابه‌لای هزاران جلد کتاب دیگر گم می‌شدند و شاید هیچ وقت پیدایشان نمی‌کردیم.

● فراتر از انتظار

مسئول کتابخانه مسجد قبا درباره این ایده می‌گوید: این کتابخانه در هر موضوعی کتاب دارد و همه سلیقه‌ها می‌توانند از آن استفاده کنند. از نظر جمعیتی، ما ۱۴ هزار و ۶۴۹ عضو در کتابخانه داریم و ماهیانه حدود ۳ هزار و ۵۰۰ نفر به کتابخانه می‌آیند. اما فلسفه برپایی این نمایشگاه، معرفی کتاب‌های خاص و ویژه به مخاطبان بود و باید بگوییم استقبال شهروندان از نمایشگاه کتاب فراتر از انتظار ما بود.

ملیحه موحّد با اشاره به شیوه انتخاب کتاب‌ها توضیح می‌دهد: قبل از برگزاری نمایشگاه کتاب تهران، از اعضای فعال کتابخانه خواستیم نیازها و کتاب‌های مورد علاقه‌شان را به ما بگویند تا برایشان خریداری کنیم. کتاب‌ها تیرماه به دستمان رسید. فصل تابستان است و اوقات فراغت بچه‌ها، فکر کردیم چه فرصتی بهتر از این؟ ایده برپایی نمایشگاه جرقه خورد و هفتاد جلد از پرتیراژترین کتاب‌ها را در معرض دید گذاشتیم.

او ادامه می‌دهد: در حالت عادی مدت امانت کتاب در کتابخانه ما یک ماهه است، اما به خاطر تقاضای زیاد برای کتاب‌های نمایشگاه، این بار دوره امانت را به یک هفته کاهش دادیم تا کتاب‌ها سریع‌تر دست به دست شوند؛ جالب است بدانید مردم برای گرفتن این کتاب‌ها ثبت نام کرده‌اند.

صفائی‌اشاید در نگاه اول عجیب به نظر برسد که در دل کتابخانه‌ای، نمایشگاه کتاب برگزار شود. عادت کرده‌ایم که نمایشگاه‌ها را در فضاها بزرگ ببینیم، اما این بار خلّاقیت از دل محله فلسطین جوانه زده است. کتابخانه مسجد قبا با سی سال سابقه فعالیت و بیش از ۲۵ هزار جلد کتاب، از سوم تادهم مرداد، رویدادی متفاوت را رقم زده و نمایشگاهی محلی برگزار کرده که با استقبال خوب اهالی روبه‌رو شده است. پویایی این نمایشگاه کوچک را زمانی می‌فهمیم که برای تهیه گزارش به کتابخانه می‌رویم: از هفتاد جلد کتاب و ویژه‌ای که برای نمایشگاه تدارک دیده شده است، فقط پنج یا شش جلد روی میزها باقی مانده و مابقی به امانت رفته‌اند. این کتاب‌ها به چاپ‌های مجدد رسیده یا در جشنواره‌های مختلف، جوایز ادبی را دریافت کرده‌اند.



نوجوان کاراته‌کار محله نوده با تمرین و پشتکار مسیر قهرمانی و مربیگری را ادامه می‌دهد

یک گام تا کمر بند مشکی

امید محله

● در این مسیر چه کسانی همراهت بودند؟

پدر، مادر و خواهر بزرگ‌ترم همیشه کنارم بوده‌اند. وقتی در مسابقه‌ای شکست می‌خورم، می‌گویند مهم تلاش است و باید با شناخت ضعف‌ها و تمرین بیشتر به هدفم برسم.

● چه برنامه‌ای برای آینده ورزشی‌ات داری؟

آرزوی من کسب مدال برای کشورم است. در کنار آن دوست دارم مربی کاراته شوم، چون آموزش به بچه‌ها و نوجوانان را خیلی دوست دارم. از آنجاکه نوه بزرگ خانواده هستم، همیشه بچه‌ها را کنارم جمع می‌کنم و تکنیک‌هایی را که یاد گرفته‌ام به آن‌ها آموزش می‌دهم.

● الگوی تو در این رشته چه کسی است؟

خانم سمیه سنایی، مربی ام، پشتکار، اخلاق، صبر، احترام و گذشت ایشان برایم درس بزرگی بوده و همیشه سعی می‌کنم این ویژگی‌ها را در زندگی و ورزشم رعایت کنم.

● به جز ورزش فعالیت دیگری هم داری؟

مدیر طراحی چهره دارم. همیشه دیدن پرتزهای سیاه‌قلم در گالری‌ها برایم جذاب بود و سال گذشته این علاقه را هم دنبال کردم. علاوه بر آن، به تازگی دوره‌های عکاسی را شروع کرده‌ام و دوست دارم در آینده در این حوزه هم فعالیت کنم و درآمد داشته باشم.

● چند جمله به دوستان هم‌سن و سالت بگو؟

به همه نوجوانان پیشنهاد می‌کنم سراغ ورزشی یا هنر مورد علاقه‌شان بروند. یاد گرفتن یک مهارت، هم آرامش و سلامتی می‌آورد و هم می‌تواند در آینده مسیر زندگی و شغلشان را تغییر دهد.

در همین وزن اول شدم. بعد از آن به مسابقات کشوری سبک شیتوریو شوکوکای همدان اعزام شدم. در آن رقابت‌ها در وزن منفی ۴۸ کیلوگرم و بخش کمیته موفق شدم مدال نقره کشور را به دست بیاورم.

● خاطره‌ای از مسابقات داری؟

همه مسابقات برایم خاطره‌انگیز هستند، اما اولین مسابقه‌ام در قوچان را هیچ وقت فراموش نمی‌کنم. فقط سه ماه از شروع تمریناتم گذشته بود و استرس زیادی داشتم. اما توانستم مدال طلا بگیرم. مربی‌ام از کنار زمین مدام تشویق می‌کرد و به من اعتماد می‌داد که می‌توانم حریفم را شکست بدهم.



صدرا فریادهای تشویق تماشاچیان، فضای سالن ورزشی مسجد الرسول (ص) را پر کرده است. بین تمرین بچه‌ها، مانده سلمانی هفده ساله با تمرکز زیاد ضربه‌هایش را یکی پس از دیگری اجرا می‌کند. او فقط دو سال است که کاراته را آغاز کرده، اما همین زمان کوتاه برایش کافی بوده تا چند مدال ارزشمند استانی و کشوری در سبک شیتوریو به دست آورد و حالا تنها یک گام تا دریافت کمر بند مشکی فاصله دارد.

● از کی کاراته را شروع کردی؟

دو سال است که در سالن ورزشی مسجد الرسول (ص) کاراته را شروع کرده‌ام. قبل از آن چند سال ژیمناستیک کار می‌کردم و همان آمادگی بدنی باعث شد بتوانم در کاراته هم پیشرفت خوبی داشته باشم.

● چرا انتخابت این رشته بود؟

از کودکی به مبارزه علاقه داشتم و دوست داشتم بتوانم در مواقع لازم از خودم دفاع کنم. کاراته باعث شده است اعتماد به نفسم بیشتر شود. آرامش داشته باشم و با انگیزه بیشتری درس بخوانم.

● چه مدال‌هایی کسب کرده‌ای؟

سال ۱۴۰۳ در مسابقات استانی قوچان و در وزن منفی ۴۷ کیلوگرم، رده سنی نوجوانان، مدال طلا گرفتم. سال ۱۴۰۴ هم در مسابقات استانی انتخابی کشوری که در مشهد برگزار شد، دوباره